

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در عبادت بودن سفر نظامیان از جهت حفظ بلاد اسلام اینکه سؤال نمودید آیا نماز و روزه نظامیان در سفر کردن ایشان با طرف بلدان با امر امراء خودشان قصراست و یا تمام پس در جواب معروض میدارد که شرط قصر نماز و افطار مسافر عبادت بودن و یا مباح بودن سفر است چنانکه علماء اعلام در کتب فتاوی خودشان بیان فرموده اند از آن جمله در حدایق در شرط قصر نماز و جواز افطار فرموده **ان یکون السفر سائغاً تا آنکه گفته فلا یترخص العاصی بسفره و هذا الشرط مجمع علیه بین الاصحاب** یعنی شرط قصر نماز و افطار روزه در سفر اینکه بوده باشد آن سفر مباح پس شخص در سفر معصیت مرخص نیست و این شرط در میان علماء اجماعی است و در احادیث نیز این شرط وارد است چنانکه در کتب اربعه در حدیث صحیح عمار از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که هر که سفر کند نماز او قصر است و روزه را افطار میکند مگر آنکه سفر او از جهت شکار لهو باشد و یا در معصیت خداوند تعالی و یا از جهت خبر آوردن بمعصیت کار شود و یا در طلب شخص مظلوم و یا از برای فسق و فجور و یا بجهت فتنه جوئی و یا ضرر زدن بر قومی از مسلمین باشد و در کافی و تهذیب در حدیث حماد از آن حضرت در تفسیر آیه **غیر باغ و لا عاد** روایت کرده اند که باغی طلب کننده شکار لهو است و عادی دزد است و برای این دو نفر در

سفر در نماز قصر نیست و در کافی و فقیه در حدیث صحیح ابن ابی عمیر از آنحضرت است که افطار نمیکند شخص در سفر ماه رمضان مگر آنکه سفرش در راه حق باشد و از این نحو احادیث بسیار است و مفاد همه آنها و فتاوی جمیع علماء اینست که اگر قصد سفر کننده فسق و فجور و ظلم و عدوان بر مؤمنین و مظلومین باشد پس آن سفر معصیت است و نمازش تمام و روزه را افطار نخواهد کرد و اما اگر مقصود مسافر طاعت و عبادت و یا مباح کردن باشد پس در آن سفر نماز را قصر و روزه را افطار خواهد نمود بدون شبهه در این حکم و اما سفر آقایان نظامیان و امراء لشگریان و حکام ولایات ایران پس در عبادت و طاعت بودن سفر ایشان شك نیست در صورتیکه قصد ایشان حفظ نفوس و اعراض و اموال مسلمین است و رفع ظلم و عدوان و ظالمان و دفع شرار از مظلومین است و برداشته شدن فتنه و فساد از بلاد و از میان عباد است و در این چند سال اخیر چقدر از شرار و فجار و اشخاص بد کردار را دفع کرده اند و چند نفر از متمرّدین و طاغین را رفع نموده اند و چه مقدار فتنه و فساد را از مسلمین برداشته اند و بچندین هزار مظلوم حمایت و اعانت فرموده اند از آنجمله فساد آذربایجان دفع شد و مخالفت و شرارت خوزستان رفع گردید و ضدیت ترکمان و انقلاب گیلان از میان رفت که هر یکی از اینها يك قضیه تاریخیه است و در بیان آنچه در این وقایع اتفاق افتاده و چقدر نفوس و اموال تلف شده محتاج است بر نوشتن دفاتر بزرگ و بالجمله چندین سال بود که اغلب

ولایات در زیر فشار اشرار مانده بود و همیشه اهل قراء و دهات و قصبات از شر اشرار فریاد میکردند و اهالی آن اطراف و مسلمین و اسلاما و وا مصیبتاه میگفتند و ندای **یا للمسلمین** میزدند و کسی بآن مظلومین امداد و حمایت و اعانت نمیکرد و بآن بیچارگان جواب نمیداد و حال آنکه جواب دادن آن مظلومان و حمایت آن فلك زدگان از اهم تکلیفات و الزم واجبات دین اسلام بوده چنانکه در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که هر که صبح نماید و اهتمام و جد و جهد در امور مسلمین نکند پس آنکس مسلم نیست و ایضاً در کافی از هاشمی از آنحضرت روایت کرده که هر که اهتمام بر امورات مسلمین نکند پس او مسلم نیست و ایضاً در کافی از عاصم از آنحضرت روایت نموده که حضرت پیغمبر اکرم (ص) فرموده که هر که صبح بکند و اهتمام بر امور مسلمین نکند پس از ایشان نیست و هر که بشنود صدای کسی را که فریاد و ندا میکند **یا للمسلمین** میگوید پس جواب ندهد براو پس او مسلم نیست پس بمضمون این احادیث صحیحه جواب فریاد اهل آذربایجان در زمان بلوای و شرارت اشرار و فجار ارامنه و آسوریها در مدت قریب به ششماه و کشتن آنها از اهل ارومیه و سلماس قریب بدویست هزار نفوس مسلمین را و غارت کردن آنها قریب پانصد میلیون اموال مسلمین را و بعد از ارامنه و آسوریها در مدت سه سال غلبه و بلوای اکراد به چند ولایت مثل سلماس و ارومیه و سلدوز

ومخالات آنها و قتل و غارت باقیمانده از اشرار مسیحیان واجب و بلکه از اهم تکلیف و از الزم حکم اسلامی بوده است و بر همهٔ مسلمین و ایرانیان و خصوصاً براهل ایالت آذربایجان الزم و واجب شده بود پس چرا براهالی این ولایات ثلاثه اعانت و حمایت نکردند و چرا جواب یاللمسلمین و فریاد ایشان را نگفتند و چرا بفریاد این مظلومین نرسیدند و آن همه نفوس و اعراض و اموال تلف شد و غارت گردید چرا امداد و دادرسی ننمودند و آیا وزر و بال این خونها و اعراض و اموال بدمه کیست و درگردن کدام مرد و کس است و فردا روز قیامت مسلمانان ایران و مخصوصاً اهل آذربایجان چه جواب خواهند داد و در دنیا چه خواهند گفت و بر اهل معرفت و بر دانایان حکم شریعت چه عذر خواهند آورد و بر این احادیث مذکوره در کتب صحیحه چه جواب خواهند گفت و آیا احادیث صحیحه را انکار خواهند کرد و حکم واجب شرع انور را رد خواهند نمود نعوذ بالله تعالی از خذلان پس اگر آقایان نظامیان و امراء لشکریان و رئیس دولت ایشان چند سال قبل از این دامن مردانگی و حمیت و غیرت را بر کمر نمیزدند و اقدام و قیام بدفع اشرار نمیکردند تا بحال آذربایجان و بلکه مرکز ایران از دست اهل اسلام رفته بود و چندین هزاران نفوس مسلمین و چندین هزاران میلیون اموال ایشان تلف شده بود و بلکه بر مملکت اسلامیان اجنبیان تملک کرده بود و سلطنت رسیمه شیعه

که یکی از دول رسمی است از میان برداشته شده بود و در زمان فریاد  
 یاللمسلمین گفتن اهالی ولایات ثلثه شاه در ایران بود و ولیعهد او در  
 آذربایجان و وزراء در تهران و علماء اعیان و قائدین مسلمانان در  
 مرکز و ولایات خودشان بودند و صدای فریاد این ولایات ثلاثه را  
 میشنیدند و بتوسط پست و تلگراف و جراید و روزنامه‌جات فریاد  
 این بیچارگان بدهات آخر ولایات ایران رسید و صدای یاللمسلمین  
 اهالی این صفحات بر ولایات چین و هند رسید و مصداق این  
 مصرع ز هندوستان خون بجیحون رسید آشکار گردید پس چراغیرتمندان  
 ایران و متدینان از اسلامیان بغیر از نظامیان عمل بر تکلیف واجب  
 اسلامی و بحکم اهم دینی نکردند و چرا جد و جهد و اهتمام بر  
 امور این مسلمین فلاکت و هلاکت دیده و مبتلا شده نمودند و آیا  
 با وجود ترك این تکلیف اهم و واجب الزم در آقایان عظام عدالت باقی  
 خواهد ماند و خودشان را عامل باحکام اسلام خواهند گفت و خواهند  
 فرمود که ما غیرت و حمیت داریم و بلکه متدین و دینداریم و از عدول  
 رجال میباشم و بمیدان قتال و جدال میرویم پس کسانی که بعد از این  
 همه خرابی قدم مردانگی بمیدان تکلیف اسلامی گذاردند همین  
 امراء لشکریان بودند که بزیر حکم شرعی رفتند و بر تکلیف اسلامی  
 عمل کردند پس سفر ایشان از اهم واجبات و از بهترین طاعات  
 است و جواب یاللمسلمین و فریاد رسیدن بمظلومین است و از سفر

مکه و زیارت بالاتر است هر چندی که سفر مکه و زیارت ائمه علیهم السلام از واجبات و از شعائر دین است و لکن در سفر مکه و زیارت خرج کردن مال است و در سفر نظامیان دادن جان است و در سفر حج و زیارت رضای خالق و در سفر نظامیان برای حفظ نفوس مسلمانان و حراست اعراض و اموال ایشان هم رضای خالق و هم زنده کردن مخلوق است تفاوت از زمین تا آسمان است اگر سفر نظامیان نباشد مکه و زیارت نمیشود و از برکت جد و جهد نظامیان در سفر ایشان راه مکه و طریق زیارت ائمه علیهم السلام باز میگردد و از اهتمام نظامیان اموال مردمان محفوظ و جمع آوری برای مکه و زیارت میسر میشود و آنچه ذکر شد واضح است برای کسی که اندکی از شعور و علم شرع انور داشته باشد و شخص جاهل با حکام اسلام حکم این مسئله را نخواهد دانست طعمه هر مرغی انجیر نیست

حرره الاحقر الارومی عرب باغی در دویم صفر الخیر ۱۳۴۳

«(راقمه مشکین قلم اهری)»